

آیا ممیز، وابسته و وابسته است؟

قهرمان جهان فر

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و دبیر ادبیات دبیرستان‌ها و مراکز پیش دانشگاهی و تربیت معلم کرمانشاه

چکیده

آیا در زبان‌شناسی جدید می‌توان ممیز را وابسته و وابسته دانست؟

با توجه به مفهوم گشتاری زبان و این مفهوم کلیدی که زبان را باید بشناسیم نه وضع کنیم، پذیرش این مؤلفه دشوار به نظر می‌رسد. در این مقاله بر آن شدیم تا با مذاقه در اندیشه کارشناسان دستور زبان فارسی، این عبارت را مورد کاوش قرار دهیم. **کلیدواژه‌ها:** زبان، زبان‌شناسی، وابسته‌ها، وابسته و وابسته، ممیز

خود یک‌جا وابسته هسته می‌شود.» (وحیدبان کامیار، ۱۳۸۳: ۸۷)

محمد رضا باطنی در کتاب خود آورده است: «یک پیرمرد/ در این مثال از طبقه عدد انتخاب شده ولی از طبقه معدود انتخاب نشده است. / یک نفر پیرمرد/ در این مثال از طبقه عدد و معدود هر دو انتخاب شده است ولی چنین ترکیبی مثل «نفر پیر مرد» که در آن فقط از طبقه معدود انتخاب شده بود، غیر ممکن است.» (باطنی، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

در کتاب‌های زبان فارسی تخصصی صفحه ۶۱ و زبان فارسی عمومی (۳) صفحه ۱۰۷ با عنوان‌های گروه اسمی و گروه اسمی (۲) آمده است که بعضی وابسته‌های وابسته عبارت‌اند از: ممیز، صفت صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه، قید صفت، و صفت مضاف‌الیه در زیر عنوان ممیز آمده است. ممیز با عدد همراه خود، یک‌جا وابسته هسته می‌شود: دو دستگاہ رادیو. **مشکوة‌الدینی** معتقد است که «وابسته‌های پیشین به صورت یک واژه به کار می‌روند و گسترش نمی‌یابند؛ در حالی که وابسته‌های پسین همواره گروه هستند. به وابسته پیشین «حروف وابسته» نیز گفته می‌شود.» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۷۹: ۱۴۶)

او در جای دیگری از کتابش می‌گوید: «ممیز به عنوان اسم یا گروه اسمی به دنبال عدد ترتیبی نیز ظاهر می‌شود: دومین جلد کتاب.» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۷۹: ۵۵)

غلامرضا ارزنگ در دستور خود چنین بیان می‌کند: «صفت شمارشی شماره هسته را می‌رساند: دو کتاب/ پنج دفتر.»

گاهی در شمارش اشیا، بعد از صفت شمارشی و قبل از هسته گروه، کلمه‌ای مناسب می‌آید که با صفت شمارشی یک گروه می‌سازد و با آن به‌طور

آیا در زبان‌شناسی جدید می‌توان ممیز را وابسته و وابسته دانست؟

با توجه به مفهوم گشتاری زبان و این مفهوم کلیدی که زبان را باید بشناسیم نه وضع کنیم، پذیرش این مؤلفه دشوار به نظر می‌رسد. در این مقاله بر آن شدیم تا با مذاقه در اندیشه کارشناسان دستور زبان فارسی، این عبارت را مورد کاوش قرار دهیم. **کلیدواژه‌ها:** زبان، زبان‌شناسی، وابسته‌ها، وابسته و وابسته، ممیز

هنگامی که زبان‌شناسی نیز مانند سایر علوم- هر چند دیر هنگام- تن رنجور خود را از زیر آوار سهمگین سنت و قیاس به در کشید، دست به عصای روش علمی برد تا کمر راست کند و لطایف و ظرایف وجود خود را بر چشمان جست‌وجوگر بشر عرضه نماید تا انسان امروزی این ویژگی منحصر به فرد و پر از راز و رمز را بیشتر و بهتر بشناسد.

سوسور در روساخت یا نظام آوایی زبان مانند اما کار بزرگ او را **نوام چامسکی** تکمیل کرد تا زبان‌شناسان از درگاه روساخت به عمارت عظیم و عجیب زیرساخت یا نظام معنایی راه یابند. حد فاصل این دو سرزمین رویایی دستور زبان است و یکی از واحدهای زبان در این قالب گروه واژه‌هاست که «ترکیب» نیز نام دیگری برای آن است. در این مقاله با استفاده از دیدگاه دستور گشتاری موضوع «وابسته‌های وابسته» به صورت عام و «ممیز» به صورت خاص مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

وحیدیان کامیار می‌گوید: «ممیز بین صفت شمارشی و موصوف آن بر شمارش تعداد یا اندازه و وزن موصوف معمولاً اسمی می‌آید که وابسته صفت شمارشی است و ممیز نام دارد. ممیز با عدد همراه

گاهی در شمارش اشیا، بعد از صفت شمارشی و قبل از هسته گروه، کلمه‌ای مناسب می‌آید که با صفت شمارشی یک گروه می‌سازد و با آن به‌طور یک‌جا وابسته گروه شده ممیز نام دارد



شمارشی به طرف دستگاه رسم کنیم؛ مانند/ دو دستگاه رادیو/ دو دستگاه.

اگر هم بپذیریم که اقتضاء گروه اسمی دو دستگاه رادیو یا به قول محمدرضا باطنی «یک نفر پیر مرد» اصلت را قبل از ممیز به عدد می‌دهد، باید دستگاه و نفر را وابسته پسین برای عدد به حساب بیاوریم که در این حالت، تکلیف نبود نقش‌نمای اضافه بعد از هسته‌ای که وابسته پسینی - غیر از نشانه‌های جمع و ی نکره- دارد چگونه روشن می‌شود.

۱. معمولاً ممیز را معرف تعداد، اندازه، وزن و... دانسته‌اند؛ مثلاً گروه اسمی دو متر پارچه را در نظر بگیریم. اگر متر را به‌عنوان واحد طول حذف کنیم و گروه اسمی دو پارچه را داشته باشیم، مفهوم به مراتب دورتر از مصداق این گروه اسمی می‌شود تا بگوییم «متر پارچه». پس واقعیت این است که هر دو واژه «دو» و «پارچه» وابسته پیشین هستند و در ساختار گروه اسمی یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

۲. ما ممیز را به‌عنوان یکی از وابسته‌های پیشین می‌شناسیم که نزدیک‌ترین وابسته پیشین به هسته نیز هست و این امر می‌تواند دلیل محکمی بر قرابت بیشتر ممیز به هسته باشد تا صفت شمارشی (عدد). حال با چه دلیلی آن را به‌صورت وابسته پسین ذکر کنیم و چه عنوانی به آن بدهیم؟

۳. بسامد کاربرد گروه‌هایی اسمی مانند پنج نفر/ یک جلد/ صدها تن/ و... ما را بر آن می‌دارد که برای این مبحث تدبیری درست و تعریفی جامع و مانع بیندیشیم و مثال کتاب را این‌گونه اصلاح کنیم: / دو دستگاه رادیو. پس «دو» را به‌عنوان وابسته وابسته قرار می‌دهیم که اگر یک‌جا هم به‌کار گرفته شود، رویه‌ای ثابت و واحد داریم؛ زیرا جهت نمودار پیکانی تغییری نمی‌خواهد و در نهایت به‌جای ممیز می‌توانیم بگوییم صفت ممیز از وابسته‌های وابسته است.

مانند: چند نفر کارگر/ یک دستگاه رادیو

نتیجه‌گیری

اگر وجه غالب برای شناخت و تجزیه و ترکیب زبان را براساس نظریه موقعیت و اقتضای آن در کاربرد بدانیم و بر همین اساس - همچنان که در متن مقاله آمده است - وابسته‌های وابسته را مورد بررسی قرار دهیم، متقاعد می‌شویم که زمانی این مبحث جامعیت پیدا می‌کند که ما - خلاف آنچه در کتاب‌های درسی سال سوم آمده است - به‌جای ممیز، صفت شمارشی و یا صفت مبهم را وابسته وابسته قلمداد کنیم.

یک‌جا وابسته گروه شده ممیز نام دارد. ده نفر دانشجو/ صدها تن سرباز/ شش دانه تخم مرغ/ یک قبضه تفنگ.

همچنین است در مورد واحدهای اندازه‌گیری /سه کیلو سیب/ دو متر پارچه. (ارژنگ، ۱۳۷۸: ۷۱) در میان نظرات ذکر شده به‌نظر می‌رسد که دیدگاه ارژنگ مفهوم را به‌صورت جامع و مانع در بر می‌گیرد؛ چون با تأمل در می‌یابیم که:

با توجه به جهت نمودار پیکانی، سایر وابسته‌های وابسته که در همه حال بدون هیچ حرف و حدیثی صحت و مصداق دارند مانند الف) صفت صفت رنگ سفید شیری که به‌صورت یک‌جا می‌توان سفید شیری را در جمله من سفید شیری را می‌پسندم به‌کار برد. ب) مضاف‌الیه مضاف‌الیه: کیف پسر همسایه. نیز می‌توان با حفظ جهت نمودار پیکانی در جمله پسر همسایه را دیدم به‌عنوان شاهد ذکر کرد. ج) صفت مضاف‌الیه: در این حالت هم «کتاب پسر بزرگ‌تر» یا «کتاب این مرد». اگر به‌عنوان مثال داشته باشیم پسر بزرگ‌تر در همه جا به صراحت موصوف و صفت است و نمودار پیکانی مؤید آن است که در گروه اسمی این مرد جهت نمودار عکس می‌شود و در حالت جداگانه هم درست است. د) قید صفت: هوای نسبتاً خوب که وابسته وابسته آن «نسبتاً» است و در جمله‌های دیگر نیز ما می‌توانیم از «نسبتاً خوب» استفاده کنیم.

اما نمی‌توان پذیرفت که در گروه اسمی / دو دستگاه/ باز هم جهت نمودار از «دستگاه» به «دو» بر می‌گردد. پس ما ناگزیریم تبصره‌ای خود خواسته بر اصول آموخته بزنییم و به دانش آموز بگوییم که در اینجا دستگاه هسته است و باید عکس مطلب در بحث وابسته‌های وابسته، جهت نمودار را از صفت

منابع

۱. وحیدیان کامیار، تقی/ غلامرضا عمرانی، دستور زبان فارسی (۱)، سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
۲. باطنی، محمدرضا؛ توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان، امیر کبیر، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۳.
۳. مشکوة الدینی، مهدی؛ دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، ویرایش (۲)، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹.
۴. ارژنگ، غلامرضا؛ دستور زبان فارسی امروز، قطره، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

